

شرایط قاضی - مذكر بودن

برگه جلسه :

صفحه 192 و 193 و 194

گزارش و تحلیلی تاریخی در ارتباط با موضوع

برخی از پژوهشگران نوشته‌اند:

«روایات نقصان عقل زنان در اکثر منابع حدیثی اهل تسنن یافت می‌شود؛ بخاری، مسلم، ابوداود، ترمذی، نسائی، ابن‌ماجه، دارمی، ابن حنبل، ابن حبان، بیهقی و... آن را در کتب صحاح و سنن و مسانید و دیگر کتب خود گزارش کرده‌اند... به لحاظ وجود حدیث در کتاب صحیح البخاری و صحیح مسلم نزد اهل تسنن، صحیح تلقی می‌شود و به لحاظ متن، تمامی نقل یک مضمون را و با عبارتهایی همانند یکدیگر گزارش کرده‌اند.

اما روایات دال بر نقصان عقل زنان در منابع حدیثی بسیار معتبر شیعه مانند الکافی [کتاب] من لا یحضره الفقیه و نهج البلاغه یا با اعتبار کمتر چون کشف المحجّة و المسترشد گزارش شده است. مجموع این روایات به هشت گزارش اصلی منتهی می‌شود؛ سه حدیث نبوی و پنج حدیث علوی. از سایر ائمه، حدیثی درباره کاستی عقل زنان به دست نیامده است و در مواردی از احادیث نبوی یا احادیث علوی امام باقر و امام صادق علیهما السلام نقش راوی را دارند و فقط محدث نوری حدیثی را از کتابی به نام تحفة الاخوان نقل می‌کند. در این گزارش حدیث از ابن عباس و راوی آن امام صادق - علیه السلام - است...»²¹

(جلسه هشتاد و چهارم)

در بخشی از روایت «تحفة الاخوان» (بعد از نقل خطای حواء و عرضه او بر خداوند که ابلیس قسم خورد و مرا اغوا کرد و من نمی‌دانستم بنده‌ای قسم دروغ به نام تو یاد کند) آمده است خداوند فرمود: «الان اخرجی ایدا فقد جعلتک ناقصة العقل و الدین و المیراث و الشهادة و الذکر و معوجة الخلقة شاخصة البصر و جعلتک اسيرة أيام حیاتک و أحرمتک أفضل الاشياء: الجمعة و الجماعة و السلام و التحية و قضیت علیک بالطمث و هو الدم و جهة الحبل و الطلق و الولادة فلا تلدین حتی تذوقین طعم الموت فأنت أكثر حزنا و أكسر قلبا و أكثر دمة و جعلتک دائمة الاحزان و لم اجعل منکن حاکما و لا أبعث منکن نبیا» الخبر . در تراث اسلامی ضعف‌های دیگری نیز برای زنان بیان شده است.

مانند این کلام امیر - علیه السلام : (خطاب به لشکر خود قبل از جنگ صفین):

«...و لا تهیجوا النساء بأذی و ان شتمن أعراضکم و سببن امراءکم فانهن ضعيفات القوى و الانفس و العقول...»³.

جامع دلایلی این احادیث و نقل قول‌ها، بیان ضعف زنان - حداقل - نسبت به مردان است. برخی تحقیقات موارد بیشتری را - غیر از آن چه ما بیان کردیم - جمع آوری کرده‌اند، که مراجعه به آن‌ها مفید می‌نماید.⁴

هر چند در برخی از موارد کوتاهی‌هایی صورت گرفته و برداشت صحیحی صورت نپذیرفته است.⁵

(و گروه دال بر نهی اطاعت از زنان، نهی از مشورت با ایشان و مفادهای مشابه

توجه کنید:

● حدثنا علی بن احمد بن عبدالله بن احمد بن ابی عبدالله البرقی رحمه الله قال: حدثنی أبی عن جده احمد بن ابی عبدالله عن ابیه عن محمد بن ابی عمیر عن غیر واحد عن الصادق جعفر بن محمد عن ابیه عن آبائه علیهم السلام قال: شکی رجل من أصحاب أمير المومنین علیه السلام نساءه، فقام علی علیه السلام خطیبا، فقال: «معاشر الناس لا تطیعوا النساء علی حال و لا تأمنوهن علی

مال و لا تذروهن يديرن أمر العيال فانهن أن تركن و ما أردن اوردنا المهالك و عصين أمر المالك فانا وجدناهن لا ورع لهن عند حاجتهن و لا صبر لهن عند شهوتهن البذخ لهن لازم و ان كبرن و العجب لهن لا حق و ان عجزن يكون رضاهن في فروجهن لا يشكرن الكثير اذا منعن القليل ينسين الخير و يذكرن الشر يتهافتن بالبهتان و يتمادين في الطغيان و يتصدین للشيطان فداروهن على كل مال و أحسنوا لهن المقال لعلهن يحسن الفعال»⁶.

● در حديث گذشته بود: «و لا تطيعوهن في المعروف حتى لا يطمعن في المنكر»⁷.

در كتاب کافی⁸ در ذیل بابی با عنوان «باب في ترك طاعتهن» روایاتی ذکر شده است، از جمله:

● عده من اصحابنا عن احمد بن محمد عن ابن محبوب عن عبدالله بن سنان عن أبي عبدالله قال: ذكر رسول - الله صلى الله عليه و آله - النساء فقال: «اعصوهن في المعروف قبل أن يأمرنكم بالمنكر و تعوذوا بالله من شرارهن و كونوا من خيارهن على حذر».

● علی بن ابراهیم عن ابيه عن النوافلي عن السكوني عن أبي عبدالله - عليه السلام - قال: قال رسول الله (ص): «من أطاع امرأته أكبّه الله على وجهه في النار؛ قيل: و ما تلك الطاعة؟ قال: تطلب منه الذهاب الى الحمامات و العرسات و العيدات و النياحات و الثياب الرقاق».

● و باسناده قال: قال رسول الله: «طاعة المرأة ندامة».

● عدة من أصحابنا عن احمد بن ابى عبدالله عن ابيه عن ذكره عن الحسين ابن المختار عن ابى عبدالله قال: قال امير المؤمنين - عليه السلام - في كلام له: «اتقوا شرار النساء و كونوا من خيارهن على حذر و إن أمرنكم بالمعروف فخالفوهن كيلا يطمعن منكم في المنكر».

● وعنه؛ عن ابيه رفعه ابى جعفر - عليه السلام - قال: ذكر عند أبي جعفر - عليه السلام - النساء فقال: «لا تشاوروهن في النجوى و لا تطيعوهن في ذى قرابة».

● وعنه عن ابى عبدالله الجاموراني عن الحسن بن على بن أبى حمزة عن صندل عن ابن مسكان عن سليمان بن خالد قال: سمعت أبا عبدالله - عليه السلام - يقول: «إياكم و مشاورة النساء فإن فيهن الضعف و الوهن و العجز».

● ...قال امير المؤمنين - صلوات الله عليه - : «كل امرء تدبره امرأة فهو ملعون».

(پایان جلسه)

● محمد بن يحيى عن احمد بن محمد عن الحسين بن سيف عن اسحاق بن عمار رفعه قال: «كان رسول الله صلى الله عليه و آله إذا أراد الحرب دعا نساءه فاستشارهن ثم خالفهن».

● علی عن ابيه عن عمرو بن عثمان عن بعض اصحابه عن ابى عبدالله - عليه السلام - قال: «استعيذوا بالله من شرار نساءكم و كونوا من خيارهن على حذر و لا تطيعوهن في المعروف فيدعونكم الى المنكر و قال: قال رسول الله صلى الله عليه و آله : النساء لا يشاورن في النجوى و لا يطعن في نوى القربى إن المرأة اذا أسنت ذهب خير شريها و بقى شرهما و ذلك أنه يعقم رحمها و يسوء خلقها و يحتد لسانها و أن الرجل إذا أسن ذهب شر شطريه و بقى خيرهما و ذلك أنه يؤوب عقله و يستحکم رأيه و يحسن خلقه».

● از رسول خدا - صلى الله عليه و آله - : «...و اذا كان امراؤكم شراركم و اغنياؤكم بخلاؤكم و اموركم الى نساؤكم فبطن الارض خير لكم من ظهرها»⁹.

● ابو عبدالله الاشعري عن بعض اصحابنا عن جعفر بن عنبسة عن عباد بن زياد الاسدى عن عمرو بن ابى المقدام عن ابى جعفر عليه السلام و احمد بن محمد العاصمى عن حدثه عن معلى بن محمد البصرى عن على بن حسان عن عبدالرحمن بن كثير عن ابى عبدالله - عليه السلام - قال: «في رسالة امير المؤمنين - عليه السلام - الى الحسن - عليه السلام - لا تملك المرأة من الامر ما يجاوز نفسها؛ فإن ذلك أنعم لحالها و أرحى لبالها و أدوم لجمالها؛ فإن المرأة ريحانة و ليست بقهرمانه و لا تعد بكرامتها نفسها و اغضض بصرها بسترک و اكففها بحجابك و لا تطمعها أن تشفع لغيرها فيميل عليك من شفعت له عليك معها و استبق من نفسك بقية؛ فإن إمساكك نفسك عنهن - و هن يرين أنك ذو اقتدار - خير من أن يرين منك حالا على انكسار»¹⁰.

در این ارتباط، روایات متعدد دیگری نیز وجود دارد که در متون حدیثی شیعه و اهل تسنن و برخی پژوهش های جدید - از جمله دو پژوهشی که از آن ها یاد کردیم - وجود دارد، لکن ضرورتی در ذکر آن ها در این مجال نیست و در آن چه نقل شد غنا و

01. بررسی فقهی مدیریت زنان در مناصب سیاسی، صص 204 و 205.
02. مستدرک الوسائل، ج 14، صص 285 و 286.
03. نهج البلاغه، (فیض الاسلام)، نامه 14، صص 859.
04. ر.ک: دانشنامه امام علی (ع)، ج 5، مقاله «حقوق زن»، صص 90-92.
05. ر.ک: همان، آخر ص 91.
06. علل الشرائع، ج 2، باب 288، صص 512 و 513.
07. نهج البلاغه، (فیض الاسلام)، خطبه 79، صص 179.
08. ج 5، کتاب النکاح، صص 516-518.
09. تحف العقول، صص 32.
10. کافی (فروع)، ج 5، صص 510.

مشروح درس :

بسم الله الرحمن الرحيم

بحث ما بر سر گروهی از روایات بود که ادعا شده بود : دلالت می کنند بر نفی شایستگی زنان برای تصدی مناصب مهمی چون قضاوت. روایاتی را خواندیم، رسیدیم به یک روایتی که مرحوم میرزای نوری : از کتاب تحفة الاخوان نقل می کند.

روایت این است که امام صادق نقل می کنند از ابن عباس داستان خلقت آدم و حوا، رفتن به بهشت و خارج شدن آن ها از بهشت تا جایی که خداوند متعال خطاب کرد به حوا که چه شد؟ چرا چنین کردی؟ حوا گفت خدایا من خطا کردم منتهی ابلیس با فریب دادنش و قسم خوردنش من را گول زد و من فکر نمی کردم که یک بنده ای از بندگان تو قسم تو را به دروغ بخورد و باور کردم خداوند فرمود به هر حال اشتباه کردی پس خارج شو اخرجی ابدأ فقد جعلتک ناقصة العقل و الدین و المیراث و الشهادة و الذکر و معوجة الخلقة شاخصة البصر اسيرة ایام حیاتک تا این که احرمتک افضل الاشياء الجمعة از جماعت از سلام از تحیت و داوری کردم بر تو به حیض بودن، برای هر زاییدنی طعم مرگ را بکشی فانت اکثر حزنا و اکثر قلبا و اکثر دمعنا تا این که می گوید و لم يجعل منکن حاکما و پیغمبری از شما مبعوث نکردم.

حوا اشتباه کرد جنس زن چرا؟ گنه کرد در بلخ آهنگری به شوشتر بزنند هزاران گردن مسگری، این ها از همان روایاتی است که قطعا باید کنار گذاشته شود چون با قرآن مخالف است. این کتاب از چه کسی است؟ چه سندی دارد؟ در مستدرک دارد المولی سعید المزیدی فی تحفة الاخوان عن ابی بصیر عن الصادق ع فی خبر طویل قال قال ابن عباس. روایت از ابن عباس که روایت نیست مگر این که روایت را کمک کنیم و بگویم حضرت با زبان تأیید آن را نقل کرده اند ولی به هر حال سند روایت بسیار بسیار ضعیف است. این هم مولى سعید مزیدی نیست ما شخصی داریم به نام «ملا محمد سعید مرندی» مزیدی نامی نداریم که تحفة الاخوان نوشته باشد ما تحفة الاخوان زیاد داریم ولی مرحوم حاج آغا بزرگ در الذریعه مزیدی نامی ثبت نکرده است فقط همین روایت را نقل می کند تحفة الاخوان الفارسی للمولی محمد سعید المرندی. ملا محمد سعید واعظ مرندی احتمالا برای قرون اخیر هم باشد و تا ابی بصیر خیلی فاصله دارد.

البتة ما داریم روایات را نقل می کنیم که دلالت بر نوعی نقص در زنان می کند.

در آستانه ی جنگ جمل حضرت به اصحابشان فرمودند: و لا تهيجوا النساء بأذى و ان شتمن اعراضكم و سببن امراءكم فانهن ضعيفات القوى و الانفس و العقول ... »
روایات دیگری هم هست ولی همین مقدار کافی است.
در این قسمت وارد بخش جدیدی می شویم.

گروه پنجم: گروه دال بر نهی از اطاعت زنان، نهی از مشورت زنان و مفادهای شبیه به این ها.
این گروه را ما جدا کردیم چون در این گروه نمی گوید زن یک نقصی دارد، عقلش ناقص است یا توانش ناقص است بلکه رسماً نهی می کند از اطاعت زنان مطلق هم است و شامل همه ی زنان می شود، مربوط به خلقت آن ها نیست اگر چه به نوعی دلالت بر نقص هم می کند.

روایت اول از **علل الشرایع** جلد دوم، باب 288 صفحه ی 512 و 513

حدثنا علی بن احمد بن عبدالله بن احمد بن ابی عبدالله برقی رحمه الله قال: حدثني ابی عن جده احمد بن ابی عبدالله عن ابیه عن محمد بن ابی عمیر عن غیر واحد عن الصادق جعفر بن محمد عن ابیه عن ابائه علیهم السلم قال: شکی رجل من اصحاب امیرالمؤمنین ع نساءه فقام علی ع خطیباً، فقال: معاشر الناس لا تطیعوا النساء علی حال و لا تأمونهن علی مال و لا تذروهن یدبرن امر العیال فانهن نکذارید امر خانه را به دست بگیرند فانهن ان ترکن و ما اردن اوردنا المهالک در ادامه هم همین سختگیری ها هست صبر ندارند عند شهوتهن، مرد باید صولت خودش را در مقابل او حفظ کند و ... البته بعد هم دارد که با آن ها مدارا کنید و زیبا صحبت کنید شاید آن ها کار را بهتر انجام دهند.
یک روایتی هم قبلاً داشتیم که: لا تطیعوهن فی المعروف حتی لا یطمعن فی المنکر. وقتی در معروف به حرف آن ها گوش کردید در منکرات هم از شما توقع دارند.
در کتاب کافی، جلد پنجم، کتاب النکاح یک بابی دارد تحت عنوان: باب فی ترک طاعتهن. برخی از روایات این باب را می خوانیم.

روایت اول از رسول خدا است که حضرت فرمودند: اعصوهن فی المعروف قبل ان یأمرنکم بالمنکر و تعوذوا بالله من شرارهن و کونوا علی خیارهن علی حذر.
بگویم این روایات غیر از این که یک دستور ارشادی دارد برای زندگی نقش زن را برای تصدی مناصب اجتماعی به شدت محدود می کند.

روایت دوم: من اطاع امرأته اکبه الله علی وجهه فی النار. قیل: و ما تلك الطاعة؟ قال: تطلب منه الذهاب الی الحمامات و العرسات و العیدات و النیاحات و الثیاب الرقاق. منظور حمام برای غسل و تمیز کردن ضروری نیست. شاید منظور از عیدات همان اعیاد باشد و اگر این باشد نمی دانم چقدر این تعبیر درست است؟

روایت سوم: طاعة المرأة ندامة

حال مراد از این «مرأة» همسر است یا مراد جنس زن است اگر مسئولیتی قبول کند و دیگران بخواهند اطاعت کنند؟
روایت چهارم روایتی است که جناب کلینی با سندی دیگر می آورد البته این روایت مرسله است: «اتقوا شرار النساء و کونوا من خیارهن علی حذر و ان امرنکم بالمعروف فخالقوهن کیلاً یطمعن منکم فی المنکر»
روایت پنجم که می رسد به امام باقر ع که مرفوعه هست. ذکر عند ابی جعفر (ظاهراً مراد امام باقر است): النساء فرمود:
لاتشاورهن فی النجوی و لا تطیعوهن فی ذی قرابة» در مورد بستگان هم به آن ها گوش ندهید شاید مراد این باشد که اگر بخواهی به حرف او گوش کنی می گوید با برادرت رابطه ات را قطع کن، با پدرت رابطه ات را قطع کن و ...
ابتدا روایات نهی از اطاعت را آوردم ولی روایت آخر نهی از مشورت است و یک روایت دیگر هم در مورد نهی از مشورت داریم.

روایت ششم: ایاکم و مشاوره النساء فان فیهن الضعف و الوهن و العجز

بپرهیزید از مشاورت با زنان به درستی که در آن ها ضعف و سستی و عجز است. عجز به این معنا است که طوری مشاوره می دهند که عجز شما زیاد می شود یا این که خودشان عاجز هستند از این که مشورت درست بدهند در هر صورت روایت تعلیل دارد. اگر زنانی بودند که در غالب کارهایشان نه ضعف و نه سستی و نه عجزی مشاهده نشد این روایت شامل آن ها می شود.

روایت هفتم: «کل امرء تدبره امرأة فهو ملعون» ملعون یعنی کارش پیش نمی رود، برکت ندارد. این احتمال که مراد «امرأته» باشد یعنی هر شخصی که امور زندگی‌اش را به زن بسپارد که آن زن بر مرد حاکم شود ملعون است. در کافی های دار الحدیث کلمه ی «عیدات» که قبلا داشتیم را گفته است که در برخی از نسخه ها «عیدان» است، اگر عیدان باشد مشکلی نیست چون جمع عید است ولی عیدات قدری مشکل دارد.